



چینی ها تا ۱۰ روز دیگر بیمارستان ویژه مقابله با ویروس کرونا را می سازند

یک بیمار:
بعد از ۱۰ روز هم می گن چیزی نیست
بهش دست نزن خودش خوب می شه!

یک مسئول:
ما ۱۰ روز اول رو
فقط تکذیب می کنیم!

[شهاب نبوی]

سنگ مفت، حرف مفت

غواصی در اسناد ملی!



شهرام شهیدی
طنز نویس

رفیقم لباس غواصی پوشیده. می گویم تو هم دیگر شورش را درآورده ای ها! بابا جان! گفتند هوا سرد می شود و بارندگی زیادی در راه است، امانه این جور که تو لباس غواصی بپوشی. کلاه غواصی را از سرش برداشته می گوید: «به هوا چه کار دارم؟ می روم کتابخانه ملی.» با تعجب می پرسیم: «با لباس غواصی و کپسول اکسیژن می روی کتابخانه ملی؟! جواب می دهد: «از مرحله پرتی ها! نشنیدی کتابخانه ملی دچار آب گرفتگی شده و ساختمان آرشيو ملی را آب برداشته؟!»

باز هم آب و آتش و باد و خاک، این چهار عنصر حیاتی، کار دست مان داد. اسناد مهمی از دکتر مصدق در آتش سوزی میدان حسن آباد سوخت. برخی اسناد مهم ملی در آب گرفتگی ساختمان آرشيو ملی از بین رفت. چند سند باقیمانده را هم خودمان به باد بدهیم، خیال مان راحت می شود و می توانیم بنشینیم خاک بر سر بریزیم. البته بلا نسبت شما، بنده خاک بر سر بریزم.

قرار شد یک دوره مسابقه فوتبال بین بخش های مختلف تحریریه «شهرنگ» برگزار شود. تیم سیاسی در گروه ما افتاده بود. آنها همان اول اعلام کردند چون تیم شهرنگ نقد تندی بر سیاست دارد حاضر نیستند در زمین ما بازی کنند و مسابقه باید در زمین بی طرف برگزار شود. ما هم گفتیم حال مان از سیاست به هم می خورد و در زمین آنها حاضر نمی شویم. من گفتم اما یک مشکلی وجود دارد؛ اینکه این روزها مگر زمین بی طرفی هم پیدا می شود؟ دبیر صفحه گفت: «همچین بحث می کنید انگار ما زمین داریم و آنها در زمین ما مسابقه نمی دهند. شما اول زمین ما را نشان بده.» خلاصه همه ما سفت ایستادیم که الا و بلا در زمین بی طرف بازی نمی کنیم. از دفتر مدیرمسئول اعلام کردند هر کس بازی نکند جریمه و تنبیه انضباطی می شود. شهرنگ و صفحه سیاسی هم بیانه دادند و اعلام کردند با توجه به این پیروزی درخشان دیپلماسی ورزشی حاضرند در زمین بی طرف بازی کنند. هرگونه مشابهت بین این موضوع و ماجرای چهار تیم ایرانی حاضر در لیگ قهرمانان هم تصادفی و ساخته ذهن ایادی روزنامه های دیگر است.

یک حکایت بی ربط هم تعریف کنم: روزی روزگاری که این تاکسی های اینترنتی نبود، یک نفر کنار خیابان ایستاده بود. یک تاکسی زرد هم خیلی شیک و مجلسی و بدون مزاحمت برای رانندگان دیگر از خیابان می گذشت. نفری که کنار خیابان ایستاده بود - البته مثل امروز نبود که هر کس کنار خیابان ایستاده یا مزاحم است یا برایش مزاحمت ایجاد می کنند - برای تاکسی دست تکان داد. راننده تاکسی البته حواسش به دستگاه پخش ماشین بود که شجریان پخش می کرد. - اگر امروز بود راننده رپ گوش می داد و حواسش به برخی شهروندان با پوشش خاص بود - برای همین دیرتر مرد مسافر را دید و تا ترمز کند و بایستد طول کشید. خلاصه، تاکسی چند متر جلوتر ایستاد، اما مسافر نیامد سوار شود. راننده سرش را آورد بیرون و گفت: «چرا نمای سوار بشی؟» مسافر جواب داد: «برو عمو زون، من می خواشتم اونجا پیاده شم عمو زونم.»

البته باز هم هرگونه مشابهت تکذیب می شود.

آمریکا مسافرت برای زایمان در این کشور را ممنوع کرد
یک مسئول: خودم رو تحریم کنید، بانو هام کاری نداشته باشید!

یک سلبریتی: من به این بچه قول گرین کارت دادم نه کارت ملی!
یک نوزاد: چند روز زودتر تصمیم می گرفتید بچه دار شید، من الان اقامتم رو گرفته بودم!
یک شهروند: واسه ما فرقی نداره، بیمارستان دولتی دو قدم پایین تره!
#غم-بزرگ #به-بچه-هامون-چی-بگیم #شهرنگ

نازنین جمشیدی
Kartoonist
nana.jamshidi@gmail.com

تماشاخانه



پشت شمشادا پرواز را به خاطر بسپار قبلش مالیاتش رو هم بده

پشت شمشادا

پرواز را به خاطر بسپار قبلش مالیاتش رو هم بده

شهاب پاکنگر
طنز نویس

در هفته گذشته نمایندگان عزیز مجلس، دریافت مالیات از سفرهای خارجی را تصویب کردند. برای همین رفتیم و بایک نماینده در این مورد مصاحبه کردیم. ما: «سلام لطفا در مورد این مصوبه مالیاتی جدید نظرتون رو بفرمایید.»
نماینده: «عرض سلام و ادب و احترام خدمت مردم نجیب و پای کار ایران. همچنین خسته نباشید خدمت شما صاحب رسانه خوشحالیم که توانستیم یک گام دیگر برای رفاه حال مردم برداریم و اقتصاد کشور رو پویاتر از قبل کنیم.»
ما: «البته تاجایی که ما با تازاب این مصوبه رو توفضای مجازی دیدیم، مردم خیلی از این موضوع خوشحال نبودن و شاکمی هم شده بودن.»
نماینده: «من چی کاره ام؟»
ما: «شما نماینده هستین.»

نماینده: «خوبه خودت داری می گی! من نماینده مردم نه توی خیرنگار میگردون به دست ابعدهم منبع خیری شما چهار تاشبکه اجتماعی خارجیه که غیر از سیاه نمایی کار دیگه ای بلد نیست. اصلا همین الان به توبیت می زنم و از وزیر جوان می خوام زودترین منابع فساد رو فیلتر کنه.» (نماینده عزیز، گوشه آیفونش را از جیبش درمی آورد و توبیت می زند).
ما: «حُب حال می شه توضیح بدین این مالیات چیه؟ تا جایی که ما شنیده بودیم مالیات یابر درآمده، یابر مصرفه یا ارزش افزوده. این الان جزو کدام دسته است؟»
نماینده: «قیمت مسکن؟»
ما: «یعنی چی؟»
نماینده: «یعنی ترابری به وسیله راه های خروج که مخففش می شه «تبر». بعد شما اطلاعات ناقصه. مگه بچگی یادت نیست می گفتیم «خطی مالیات داره بانک صادرات داره». اون خطی جزو کدام دسته بود؟ در ضمن ما برای رفاه حال مردم شرایطی رو فراهم کردیم که فقط از طریق یک بانک این مالیات رو پرداخت نکنن و بتونن از طریق کلیه بانک های کشور به رونق اقتصادی کشور کمک کنن.»
ما: «الان سوال اصلی مردم اینه که چرا به دفعه باید رو این چیزا مالیات گرفته بشه؟»
نماینده: «شما آمار جهانی و نتایج پژوهش دانشمندان ژاپنی و دانشگاه مریلند رو نگاه

کنید. کشورهای پیشرفته اکثر درآمدشون از مالیاتیه اما مهم باید به این سمت بریم، اتفاقا تو گام های بعدی می خوام دقیق تر روی یک مالیات بر مصرف دیگه هم کار کنیم.»
ما: «چی؟»
نماینده: «مالیات بر نفس کشیدن! به هر حال شما وقتی نفس می کشین، اکسیژن مصرف می کنین.»
ما: «بهرت نیست جای این کارها طرح مالیات بر خونه های خالی رو تصویب کنید که قیمت مسکن هم بیاد پایین؟»
نماینده: «قیمت مسکن که کلا حبابه. بعد هم خونه خالی اگه مصرف می شه که دیگه خالی نبود، رو چه حسابی از این خونه ها مالیات بگیریم اما مهمه کارها مون حساب شده و بر اساس مطالعات دقیقه.»
ما: «ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادین، اگه برای صحبت پایانی چیزی دارین بفرمایین.»
نماینده: «نه صحبت خاصی نیست. به هر حال وظیفه ما پاسخگویی به اصحاب رسانه است. مردم بدونن که ماشبانه روز داریم زحمت می کشیم که اونا در رفاه بیشتر باشن. حق مردم مابیشتر از اینهاست. از قدیم هم گفتن حق گرفتن است نه دادنی. شما به من رأی بدین، دور بعد خودم حق تون رو می گیرم!»